

**تیتراژهای امروز**

رهبر انقلاب ۲ اصله نهال میوه غرس کردند  
**هشدار درباره دست اندازی به جنگل‌ها و منابع**



پیروزی‌های استراتژیک در نبرد علیه تروریسم

**ارتش سوریه به فرات رسید**

بر خلاف ادعای نیویورک تایمز درباره مصادره یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری اموال ایران

**سیف: دادگاه لوکزامبورگ تقاضای آمریکا را رد کرد**

انتقاد علما و مراجع از بی‌توجهی دولت نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم

**گرانی بیداد می‌کند**

شعبه و سنی «بید و احده» هستییم

**جبل‌المتین وحدت**



وطني امروز: اگر قبله مشترک داریم و دشمن مشترک هم، پس وحدت شیعه و سنی، اصلی مسلم است. در ایران خودمان اما بارها و بارها نمایش این وحدت متعالی، چشم دشمن را کور کرده؛ چه زمان امام راحل عظیم‌الشان و چه امروز که سایه جان‌نشین شایسته خمینی بت‌شکن بر سر همه اقوام و مذاهب بلند است، دعوت ولی‌فقیه، به وحدت بوده و بس! ما یک «بید و احده» هستییم که وقتی با هم هستیم، دیگر اختلافات، مجال عرض اندام ندارد و آنچه تبلور می‌یابد، فی‌الواقع جمع ما و اتحاد ما و یکی شدن ما ذیل نام بلند «الله» است! آنجا که لازم به موضع‌گیری علیه دشمن بوده، این موضع را هم شیعه ایرانی گرفته و هم سنی ایرانی! هنوز هم شهید بروجردی در کردستان محبوب است! هنوز هم متوسلین در کردستان محبوب است! و هنوز هم، آن سردار مردم‌دار که در سیستان و بلوچستان، جانش را برای امن و امان عزیزان ما از دیگر مذاهب کف دست گرفت و باده شهادت نوشید، محبوب است! جنگ باشد یا نباشد، فتنه باشد یا نباشد، دولت حواس جمعی سر کار باشد یا نباشد، قدر مسلم، آنچه بیش از همه، از رفتار و گفتار آحاد این ملت منجلی می‌شود، مناسک الهی و دشمن‌شکن وحدت است! آری! وحدت در حکم مناسک است! تبری از اختلاف و تولا نسبت به اتحاد! زنده‌باد آن عزیز اهل سنت که در شهر مرزی، اولین مدافع خاک مقدس کشور است! و همان اندازه ایرانی است که من و ما و همان اندازه مسلمان است که من و ما و همان اندازه با دشمن اصل کاری، مرزبندی دارد که من و ما! معلوم است که دشمن از این امر مهم، بدش می‌آید و پهنا می‌آفریند، بلکه اختلافات پررنگ شود اما آنجا که بحث همه اسلام و همه ایران مطرح است، سنی یعنی مسلمان و شیعه هم یعنی مسلمان!

ادامه در صفحه ۵



و یکی لیکسی با انتشار استنادی خیره‌کننده، بزرگ‌ترین افشاگری تاریخ در باره جاسوسی هولناک آمریکا از همه مردم جهان را آغاز کرد

**تماشاخانه سیا!**

در عالم رسانه و در نقش یک چهره سیاسی مهم مانند رئیس‌جمهور، هر روز مسائل زیادی وجود دارد که باید درباره آنها اظهار نظر کرد. مناسبت‌های زیادی که تقریباً هر روز باید درباره آنها نظری بیان شود. همایش‌ها، جشنواره‌ها، فستیوال‌ها، یادبودها، بزرگداشت‌ها و خیل بیشمار مناسبت‌های تقویمی و در کنار همه اینها مسائل جدیدی که هر روز در حال روی دادن هستند و حجم زیادی از حرف برای زده شدن توسط رئیس‌جمهور باید برای آنها تولید شود. درصد بسیار زیادی از این حرف‌ها و سخنان، کلیاتی است که دائماً در حال تکرار شدن است و اگرچه در عالم حرف صحیح است ولی در عالم عمل به‌واسطه باختن رنگ انضمامی خود به علت تبدیل شدن به کلیشه‌های کلی، می‌تواند نوعی فرافکنی به حساب آید. کلیاتی که اگرچه به‌واسطه آنچه گفتیم، چارچوب‌های کلیشه‌ای خسته‌کننده‌ای هستند ولی گاهی جست‌وجو در میان خیل انبوه آنها به روشن شدن مسائل مغتنمی ختم می‌شود. به بیان ساده‌تر یعنی در میان این خیل کلیات می‌شود به حرف‌های بدون روتوشی برخورد که در شرایط عادی و در زمانی که بخواهیم با سیاسیون و قدرتمندان به شکل خاص بر سر آنها گفت‌وگو کنیم به آنها دست نخواهیم یافت. همه این مواردی را که گفتیم می‌شود در اکثر نطق‌های رئیس‌جمهور یافت. اگرچه برخوردن به نکات نغزی که گفتیم همواره محتمل نیست ولی در موردی که در ادامه خواهیم آورد، یکی از این نکات بسیار مهم را می‌شود یافت. نکته‌ای که نگاه واقعی شخص رئیس‌جمهور و سیستم‌نخبگانی اطراف آن به مساله دانش و نقش چشمداشتی آنها برای نخبگان علمی و بویژه اهالی علوم انسانی را مشخص می‌کند.

**نگاه** چهره سیاسی مهم مانند رئیس‌جمهور، هر روز مسائل زیادی وجود دارد که باید درباره آنها اظهار نظر کرد.

آنان در مواجهه با ریزگردها، آلودگی خاک و آب با راه‌حل علمی قابل رفع است و باید مصرف و شدت انرژی متعادل شود، از منابع سوختی سالم بهره‌بریم و صنعت ما تحول یابد اما در عین حال باید در نظر داشتن در مساله محیط زیست، بدون تغییر فرهنگ جامعه مشکلات حل نمی‌شود. دکتر روحانی با طرح این پرسش که تبیین و تشریح قواعد بازی سیاست و اقتناع مردم بر دوش چه کسانی است؟ افزوده است: «عالمان علوم انسانی و اسلامی این وظیفه مهم را بر دوش دارند و اگر بنیاست در جامعه قواعد بازی رعایت نشود و فرهیختگان نتوانند افکار صحیح را به جامعه منتقل و مردم را قانع کنند، همان وضعی پیش می‌آید که اکنون در آمریکا شاهد آن هستیم. امروز در آمریکا سوال بزرگی پیش روی دانشمندان، فرهیختگان و نخبگان آن جامعه است که چگونه امکان دارد با وجود ابزار تبلیغات، دانشگاه‌ها، ارتباطات و فرهیختگان، موفق نشوند افکار عمومی مردم را قانع کنند.» آنچه درباره کلیات همیشگی سخنان سیاسیون گفتیم به روشنی در این باره هم صادق است. کلیاتی که نه دردی را درمان می‌کند و نه عزمی را جزم و دقیقاً مانند تعارفات بیشمار است که در میان ما ایرانیان رایج است. اینکه رئیس‌جمهور، فرهیختگان و نخبگان آن جامعه علمای علوم انسانی و اسلامی در عرصه فرهنگ‌سازی، مثالی از بحث آلودگی‌های زیست‌محیطی مناطق جنوبی کشور می‌آورند و مساله را توصیف می‌کنند، به نحوی بسیار دقیق شامل همان کلیات و کلیشه‌های نه راست و نه دروغی می‌شود که گفتیم. اینکه رئیس‌جمهور می‌گوید برای حل معضلی مانند ریزگردها، باید مصرف و شدت انرژی متعادل شود، از منابع سوختی سالم بهره‌بریم و صنعت ما تحول یابد به قدری کلی است که هیچ نیازی به توضیح نخواهد داشت. کلیاتی از این دست لاقابل توضیحات موجز انضمامی نیز همراه نمی‌شود تا این حس را به شنونده و خواننده منتقل کند که ایده‌های اجرایی و ضمنی

**فروکاستن علوم انسانی به دستگاه اقلان و توجیه**

در ادامه آنها وجود دارد و فقط برای رعایت ایجاز است که آنگونه بیان می‌شود. رئیس‌جمهور در این سخنان که به‌واسطه مطرح شدن در اختتامیه جشنواره فارابی رنگ و بوی علوم انسانی به خود گرفته، راه سهل‌العبور کلیات را در پیش گرفته است و فقط در یک قسمت آن می‌شود به یکی از آن نظرات قابل تامل برخورد. آنجا که برای دلچسب شدن بحث و خروج آن از یکنواختی، مثالی هم از آمریکا وارد کار می‌شود و پرسشی مطرح می‌شود. پرسشی که خود آن نکته مهمی است که دست یافتن به آن ارزش رهنمون کردن رنج شنیدن همواره تکرار شونده بر خود را دارد. دکتر روحانی با طرح این پرسش که تبیین و تشریح قواعد بازی سیاست و اقتناع مردم بر دوش چه کسانی است؟ ادامه داد: عالمان علوم انسانی و اسلامی این وظیفه مهم را بر دوش دارند و اگر بنیاست در جامعه قواعد بازی رعایت نشود و فرهیختگان نتوانند افکار صحیح را به جامعه منتقل و مردم را قانع کنند، همان وضعی پیش می‌آید که اکنون در آمریکا شاهد آن هستیم. رئیس‌جمهوری ادامه داد: امروز در آمریکا سوال بزرگی پیش روی دانشمندان، فرهیختگان و نخبگان آن جامعه است که چگونه امکان دارد با وجود ابزار تبلیغات، دانشگاه‌ها، ارتباطات و فرهیختگان، موفق نشوند افکار عمومی مردم را قانع کنند.

این تشریح قواعد بازی سیاست و اقتناع مردم، چشمداشتی است که رئیس‌جمهور از اهالی علوم انسانی دارد و عدم تحقق آن را یکی از مشکلات و پرسش‌های بزرگ پیش روی دانشمندان، فرهیختگان و نخبگان آمریکا می‌داند. در این باره ۲ نکته اساسی را می‌شود بیان کرد که نکته اول از باب پرداختن به مساله ماهیت و نقش و کارکرد علوم انسانی در ایران است و نکته دوم درباره آنچه رئیس‌جمهور از علوم انسانی می‌طلبد. اما در باب اینکه علوم انسانی واقعا چیست و چه ماهیت و کارکردی دارد مطالب بسیاری بیان شده است.

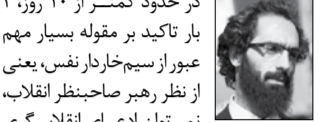


امیر استگی

**یادداشت امروز**

**معیار اول؛ عبور از سیم خاردار نفس**

حسین قدیانی



در حدود کمتر از ۱۰ روز، بار تاکید بر مقوله بسیار مهم عبور از سیم خاردار نفس، یعنی از نظر رهبر صاحب‌نظر انقلاب، نمی‌توان ادعای انقلابی‌گری داشت، بلکه نمی‌توان ادعای پیروی از ایشان داشت، الا آنکه این نفس سرکش را به تعبیر زیبای «اوی ففتح» بمیرانی، پیش از آنکه بمیرانند! آری! ادعای انقلابی‌گری را که همه دارند، لکن خامنه‌ای هم مثل خمینی، برای پذیرش هر آن ادعای بزرگی، در وهله اول، شرط عبور از خود را و عبور از نفس را و عبور از اسم و رسم را می‌گذارد! اینکه خمینی گفت: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» یا اینکه خامنه‌ای می‌گوید: «در یوم‌الله ۹ دی، دست قدرت خدا را باید دید.» یعنی انقلاب اسلامی رهبرانی داشته و دارد که علی‌الدوام قیود «خود» را می‌زنند و «خدا» را نشان می‌دهند! خدا در رفتار و گفتار و صلابت‌نیت ما منجلی نمی‌شود الا به عبور من و ما از سیم‌خاردار نفس! ایام شهادت «همت» است! «سردار خبیر» اگر از سیم‌خاردار نفس عبور نکرده بود، یاری این را نمی‌داشت که نزد محبوب، سر نیازدا «برادران باکری» هم «برادران دستواره» هم! «شهادی هستای» هم! «سبکباران این جبهه آخرالزمانی» هم! آری! آدمی تازه وقتی قیمت می‌یابد و بزرگ می‌شود و می‌تواند ادعاهای بزرگ داشته باشد که در قدم نخست، پا بگذارد روی نفس! از خود که عبور کنی، عالم را حقیقتاً «محضر خدا» می‌بینی! و آن وقت، مصیبت، دیگر مجالی در سکنات تو ندارد! در دوران دفاع مقدس، اسطوره‌های ما، امثال همین سردار شهید همدانی و رزمنده همدانی و دیگر نازنین که خود دانی، به موازات جنگ با دشمن، اسلحه دیگری هم داشتند به نام «تقوای الهی» که با آن نفس خود را می‌کشتند! سید شهیدان اهل قلم هم نیک اگر بنگری، ابتدا نفس خود را فتح کرد و آنگاه «اوی ففتح» خرمشهر و خبیر و فتح‌المبین شد! با همه اینها، تاکید مؤکد و ویژه حضرت آقا بر مقوله «عبور از سیم‌خاردار نفس» را با بشارت ایشان می‌دانم برای آغاز «دورهای جدید» و «حیاتی‌نوا» زمانه‌ای که «خود» باید بگذرد تا «خدا» آماده بیند ما را و مهیا بیند ما را برای امر عظیم ظهور! اولش را بخواهی، «غیبت» جرمه‌ها اینانی آدم بود برای گناه بزرگ گرفتاری در سیم‌خاردار نفس! آری! ما گرفتار نفس خود شدیم که خدا «مهدی فاطمه» را از دیده ما پنهان کرد! حال اگر دوباره می‌خواهیم آفتاب را ببینیم، باید خود را نبینیم و باید از سیم‌خاردار نفس عبور کنیم! نیروی انقلابی، قبل از هر چیزی، ابتدا باید علیه من و منیت و نفس و نفسانیت خود انقلاب کند! و از قضا، فرق «کتاب ولایت فقیه» با دیگر مکاتب و فرق «حزب‌الله» با دیگر «حزب» را در همین است که اینجا، دعوت اول، دعوت به عبور از خود به مقصد حضرت باری تعالی است! و متاثر از همین دعوت است که جوان ایرانی «شهید مدافع حرم» می‌شود! «شهرداری» می‌شود! اسطوره‌های مثل «پیر دلاور جبهه‌ها» می‌شود که در «کربلای ۵» امامدش را در حال پریدن می‌بیند اما از وری این صحنه دلخراش هم، باز خدا را می‌بیند، نه خود را. و بلند فریاد می‌زند: «اشاءالله حزب‌الله!» «حزب‌الله» را همین افتخار بس که رهبرش توصیه دارد به عبور از خود و پا گذاشتن بر نفس! از ملزومات زندگی در این زمانه منتظر، گمان همین «عبور از سیم‌خاردار نفس» است! «مهدی فاطمه» منتظر گرفتار نمی‌خواهد! آنکه گرفتار نفس است، اصلاً و اساساً نفس انقدر او را به خود مشغول می‌کند که هیچ مجال نکند به معنای درست کلمه «منتظر» باشد! منتظر افسان، لاجرم باید از سیاسی و ظلمت نفس عبور کرده باشد! در نهایت، پیشانی بر خاک می‌گذازد و خدا را سپاس می‌گوید بابت نعمت گرفتار رهبری خداباور! چه نعمتی بالاتر از اینکه زعمی داشته باشی متواصی به عبور از خود به مقصد خدا؟! و متذکر به بالاترین مرتبه‌ها! داریم می‌بینیم دور و بر خودمان! جماعتی هستند که یکی می‌خواهد رئیس‌شان را به الفبای اخلاق و بدبختی ادب و مسلمات فهم و شعور سفارش کند! مشکل ما با این جماعت، اصلاً سیاسی نیست و اساساً به وادی سیاست نمی‌رسد! ما با این جماعت مشکل داریم، سر همین اعتقادات! ادامه در صفحه ۵

سلام وطن  
۶۶۴۱۳۹۴۲

www.vatanemrooz.ir

پیامک خوانندگان  
۱۰۰۰۲۳۳۱

در شبکه‌های اجتماعی  
@vatanemrooz